

الگوی مردم‌سالاری دینی و امنیت ملی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۹

علی کریمی مله*

چکیده

نوشته حاضر، نسبت الگوی مردم‌سالاری دینی و امنیت ملی را سنجش و تحلیل می‌کند. به فهم این نسبت از دو زاویه رویکردی و عملکردی نگریسته شده است. با بهره‌گیری از گزاره‌های نظریه‌های امنیت ملی گسترده و چندبعدی که در آرای امنیت‌پژوهان مکتب کپنهاگ تبلور یافته و با کاربست روش تحلیل محتوای کیفی قانون اساسی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی، رویکرد امنیت ملی الگوی مردم‌سالاری دینی و اکاوی و سازگاری آن با رویکرد گسترده امنیت ملی استنتاج شد. از زاویه عملکردی، با استفاده از روش تحلیل ثانویه، به رغم وجود نقاط قوت در شاخص‌های امنیت جامعه‌ای، اجتماعی و انسانی، به گواهی داده‌های آماری، کاستی‌های محسوسی در ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی و در زمینه آسیب‌های اجتماعی مشاهده می‌شود که دارای پیامدهای سوء امنیتی ارزیابی می‌شوند. نگاهی برای ترمیم کاستی‌ها و اجتناب از بروز رخدادها ضد امنیتی به مفهوم گسترده، طراحی سیاست‌گذاری‌ها با پیوست امنیت ملی و رصد عملکردها از زاویه امنیت‌سنجی، جامعه‌محور نمودن امنیت و مراعات الزامات زیست امن و ایمن در محیط رقابتی و پراشوب منطقه‌ای و جهانی و سرانجام، روزآمد و کارکردن نهادهای پایش و پژوهش امنیت‌سنجی را نتیجه‌گیری و پیشنهاد نموده است.

کلیدواژه‌ها: مردم‌سالاری دینی، دموکراسی، جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی، امنیت چندبعدی

* دانشیار گروه علوم دانشگاه مازندران

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال هفدهم • شماره دوم • تابستان ۱۳۹۳ • شماره مسلسل ۶۴

مقدمه

الگوی حکومتی مردم‌سالاری دینی^۱ به مثابه بدیلی نوین در سنخ‌های حکومت‌داری سنتی سلطانی در جهان اسلام و لیبرال-سکولار در جهان غرب، در چند دهه اخیر وارد قاموس دانش سیاسی شده و مدعاهایی برای برخورداری از قابلیت و توان‌مندی در خصوص مدیریت زیست عمومی مردم عرضه کرده است. این الگوی حکومت‌داری مبتنی بر گزاره‌های هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه ویژه خود، هم از مؤلفه‌های مدرن یعنی استواری حکومت بر آرا و افکار مردم در سطوح مختلف تصمیم‌گیری بهره می‌برد و از این زاویه با حکومت‌های مردم‌سالار شباهت یافته و از اشکال گوناگون حکومت‌های سنتی و غیر مردم‌سالار مانند رژیم‌های سلطانی موروثی، شخصی و اقتدارگرا فاصله می‌گیرد و هم با عدم ابتدای صرف پایه‌های مشروعیت خود بر مقبولیت مردم، بلکه مقیدساختن آن به آموزه‌های وحیانی و دینی، مرز ممیزی با حکومت‌های لیبرال-دموکراسی معهود غربی ترسیم می‌کند. نکته حائز توجه این است که چنین مرزبندی‌ای واجد ابعاد نظری و انتزاعی صرف نیست، بلکه در عمل محیط امنیتی ویژه‌ای می‌آفریند که بر کارکردهای بعدی نظام سیاسی مبتنی بر الگوی مردم‌سالاری دینی تأثیر زیادی می‌گذارد.

از سوی دیگر، ساخت‌یابی هر نظام سیاسی و الگوی حکومتی با موضوع حیاتی و اولویت‌دار امنیت و امنیت ملی^۲ به مثابه مفهومی چندبعدی، دیرینه، سیال و تغییرپذیر نسبت می‌یابد و این موضوع را مستلزم غور و مطالعه می‌سازد که رویکرد امنیتی آن الگو تابع کدامیک از رویکردهای محدود و تک‌بعدی نظامی‌محور یا گسترده و چندبعدی است و از چه شیوه‌هایی برای تأمین بنیادی‌ترین دغدغه و کارویژه نظام سیاسی، یعنی امنیت ملی استفاده می‌کند. به علاوه، گذشته از زاویه رویکردی، توجه به نتایج امنیتی سیاست‌های نظام سیاسی منادی مردم‌سالاری دینی نیز برای سنجش میزان امنیت‌زایی آن اهمیت فراوان دارد و بررسی عملکرد نظام سیاسی مبتنی بر الگوی مردم‌سالاری دینی و میزان توان‌مندی آن در عملیاتی‌ساختن منویات و آموزه‌های آن الگو موضوعیت پیدا می‌کند. با توجه به این ملاحظات،

1. theocratic democracy
2. national security

پرسش اصلی نوشته حاضر این است که الگوی مردم‌سالاری دینی چه نسبتی با امنیت ملی برقرار می‌کند و کدام رویکرد کلاسیک یا نرم‌افزاری در آن از برجستگی بیشتری برخوردار است؟ به علاوه، تجربه عملی و سیاست‌گذارانه تنها منادی این الگوی حکومت‌داری در جهان یعنی جمهوری اسلامی ایران چه نتایجی را نشان می‌دهد و این نتایج چه الزامات و دلالت‌های سیاست‌گذارانه‌ای پیش‌روی ما می‌نهد؟ در پاسخ به پرسش‌های نوشته، این گزاره به منزله فرضیه قابل‌تقریر است که رویکرد امنیتی الگوی مردم‌سالاری دینی با برداشت گسترده یا چندبعدی سازگاری دارد و از نظر عملکردی به رغم شاخص‌های مثبت در برخی از زمینه‌ها، کاستی‌های قابل‌ملاحظه‌ای در برخی شاخص‌های کلان حکم‌روایی را نشان می‌دهد که آسیب‌های جدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به دنبال دارد. برای بررسی فرضیه و گردآوری داده‌های لازم از رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش تحلیل محتوای کیفی قانون اساسی و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران مد نظر قرار می‌گیرد و برای پاسخ به پرسش دوم تحقیق و گردآوری داده‌های لازم از منابع معتبر آماری داخلی و بین‌المللی، از روش تحلیل ثانویه استفاده می‌شود.

الف. ادبیات تحقیق

مرور ادبیات منتشره درباره الگوی مردم‌سالاری دینی و امنیت ملی نشان می‌دهد به دلیل نوظهور بودن این مفهوم در قاموس سیاست‌شناسی، نسبت‌سنجی بین دو متغیر یادشده چندان در مظان توجه محققین قرار نگرفته و ادبیات تحقیق در این حوزه چندان پرشمار نیست. با این حال، چند دسته آثار حائز اهمیت به نظر می‌رسند. دسته نخست از آثار، منابع عمومی در خصوص امنیت ملی است که در سرلوحه آن کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» (بوزان، ۱۳۸۷) قرار دارد. بوزان در رویکرد نوین خود بوزان، سنت‌های فکری سنتی در باب امنیت را نقد و از طریق قائل‌شدن شأن امنیتی برای موضوعات فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و منابع در کنار عوامل نظامی بوزان، توسعه مفهومی امنیت را پایه‌ریزی می‌کند. کتاب‌های «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت» (بوزان، ویور و ویلد، ۱۳۸۶)، «مطالعات امنیتی نوین» (تریف و دیگران، ۱۳۸۳)، «امنیت ملی در جهان سوم» (آزر و مون، ۱۳۷۹) و «امنیت بین‌الملل» (شیهان، ۱۳۸۸)، همگی

با نگاهی مشابه، به تحلیل امنیت در رویکرد مدرن پرداخته‌اند که الهام‌بخش چارچوب نظری این نوشته واقع شده است.

دسته دیگر از منابع به تبیین مؤلفه‌های الگوی مردم‌سالاری دینی و وجوه تمایز آن با سایر الگوهای مردم‌سالار اختصاص دارد که مقاله «مردم‌سالاری دینی و نسبت آن با توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» (دارابی، ۱۳۹۱)، «نظریه انتقادی نو، نظم دموکراتیک مشورتی و الگوی مردم‌سالاری دینی» (میراحمدی، ۱۳۸۶) و «مردم‌سالاری دینی و مسئله مشروعیت» (حائری، ۱۳۸۳)، مهم‌ترین منابع قابل ذکر در این زمینه به شمار می‌روند که همان‌گونه که اقتضای عناوین آنها بوده، بیشتر در صدد ایضاح مفهوم مردم‌سالاری دینی و نسبت‌سنجی آن با متغیرهایی مانند توسعه سیاسی، دموکراسی مشورتی و مشروعیت اولیه یا ثانویه بوده و رابطه این الگوی حکومتی با امنیت ملی را در دستور بررسی خود نداشته‌اند.

دسته سوم از منابع که قرابت بیشتری با موضوع این نگاشته دارد، کم‌شمارترین ادبیات را به خود اختصاص می‌دهد. در این میان، مقاله «امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، از نزدیک‌ترین و مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. نویسنده در این اثر با استناد به متأخرترین رویکرد به موضوع امنیت ملی که همانا امنیت انسانی است، به بازکاوی این مفهوم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و مؤلفه‌های آن را در اصول و فصول مختلف آن برمی‌شمارد و بدین نتیجه می‌رسد که به رغم نبودگی مفهوم امنیت انسانی، ابعاد گوناگون آن مورد توجه قانون‌گذار اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است (پورسعید، ۱۳۸۷). مقاله دیگر، «بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴؛ رویکردی چندجانبه» به قلم افتخاری و همکاران است که در آن نه الگوی مردم‌سالاری دینی، بلکه خود سند از منظر ابعاد چندگانه امنیت ملی تجزیه و تحلیل شده است (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰). چنانکه از مرور اجمالی ادبیات پژوهش پیداست، تعداد اندکی از منابع آن هم فقط از بعد تحلیلی به شناسایی عناصر و ابعاد امنیت ملی در متون حقوقی و رسمی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند و نتایج و ابعاد سیاست‌گذارانه آن را نکاویده‌اند. بداعت این نوشته در همین نکته اخیر و تلفیق رویکرد و عملکرد الگوی مردم‌سالاری دینی در قبال مقوله امنیت ملی و استخراج دلالت‌های سیاست‌گذارانه آینده‌محور آن نهفته است.

ب. مفهوم‌شناسی مردم‌سالاری دینی

عبارت «مردم‌سالاری دینی» مرکب از دو واژه «مردم‌سالاری» و «دینی»، مبین حاکمیت مردم و نقش آنان در سیاست و جامعه است که قید دینی به مشروعیت حکومت در چارچوب باورهای دینی و نظام اعتقادی اسلام اشعار دارد. الگوی حکومتی «مردم‌سالاری دینی» نظامی استوار بر دو پایه اساسی است: از سویی محتوای آن منبعث از تعالیم دینی و آموزه‌های وحیانی است و از سوی دیگر، عینیت‌بخشیدن به آموزه‌های وحیانی در حیات سیاسی - اجتماعی مردم را از ره‌گذر خواست و اراده مردم دنبال می‌کند (دارابی، ۱۳۹۱: ۷۰). به بیان دیگر، مردم‌سالاری دینی به عنوان فهمی خاص از الگوی عام مردم‌سالاری، محصول تأملات نظری دانش‌ورانه در سنت فکری دینی و مواجهه هوشمندانه و واقع‌بینانه با اقتضائات عصر جدید است که با قواعد سیاست عملی آمیخته شده، جامه نظام سیاسی را بر تن کرده و مابه‌ازای عینی خارجی یافته است. این الگوی حکومتی بن‌مایه مردم‌سالاری یا دموکراسی که همانا ابتدای تصمیم‌گیری‌ها بر سرنوشت و اراده مردم است را به رسمیت می‌شناسد، اما آن را به محوریت و مرجعیت آموزه‌های دینی به عنوان منبع اصلی معرفت‌شناسی مقید می‌کند. پس، مردم‌سالاری دینی همانا به رسمیت شناخته‌شدن مرجعیت دین در مفهوم جوهری دموکراسی است. این الگو با پذیرش اعتبار و مرجعیت دین، حکومت مردم به عنوان مفهوم جوهری دموکراسی را با مراجعه به دین و آموزه‌های دینی تبیین و توضیح می‌دهد (میراحمدی، ۱۳۸۶: ۲۰۸-۲۰۷).

الگوی مردم‌سالاری دینی اصل خودگردانی دموکراتیک شهروندان را به مثابه حقوق شهروندی در حوزه عمومی به رسمیت می‌شناسد. پس نوعی حکومت متکی بر خواست و آرای مردم در چارچوب قوانین و مقررات دینی است که هم‌زمان مستند به رکن الهی و رکن انسانی است و اجرا و تحقق آموزه‌های الهی را از مجرای اراده مردم تعقیب می‌کند. «مردم‌سالاری دینی» از حیث نظری بر حق حاکمیت الهی بنا شده و نظام قانون‌گذاری آن بر اساس شریعت دینی استوار است و از نظر عملی، اعتبار حاکمیت مردم را در چارچوب قانون الهی می‌داند. خلاصه، سامان نظری این الگو به صورتی مفهوم‌پردازی شده که اراده مردم در طول اراده الهی و نه در عرض آن قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که در این سامانه نظری، حاکمیت شریعت آسمانی با مشارکت و نظارت فعال مردم نه از موضع جانشینی، بلکه از زاویه هم‌نشینی قابل فهم می‌شود.

ج. چارچوب نظری: امنیت ملی چندبعدی و گسترده

این تحقیق از رویکرد امنیت ملی مدرن و گسترده، ملهم از آموزه‌های مکتب کپنهاگ بهره می‌برد که معتقد است امنیت ابعاد چندگانه و متعدد دارد و فقط شامل بعد نظامی برآمده از محیط و کنش‌گران خارجی نیست، بلکه ابعاد داخلی و جامعه‌ای را نیز در بر می‌گیرد. چنین فهمی از امنیت ملی قدمت زیادی ندارد و متأثر از تحولات چند دهه اخیر در ساحت‌های نظری و عملی مربوط به امنیت سر برآورده و به تبع خصیصه زمان‌مندی و زمینه‌پروردگی امنیت و دگرذیسی مفهومی در طول زمان، از نظر افقی^۱ و عمودی^۲ توسعه یافته است. از نظر افقی، برداشت امنیتی غرب‌محور^۳ و در نتیجه ناتوان از کاربست در محیط امنیتی جهان سوم مورد نقد قرار گرفت و از نظر عمودی نیز عواملی مثل تحولات ساختاری جهان، تکثیر تعداد کشورهای مستقل جهان سوم و روبه‌رو شدن آنان با مشکلات و پیچیدگی‌های ویژه امنیتی، وابستگی متقابل فزاینده کشورها و در نتیجه، گسترش مسائل و مشکلات جهانی، باعث توسعه مفهومی امنیت متمایز از رویکرد سنتی تقلیل‌گرا^۴ و نظامی‌محور شد.

به عبارتی، در رویکردی تکاملی، فهم امنیتی در گام نخست و بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم بر برداشتی کاملاً سنتی، واقع‌گرایانه و دولت‌محور استوار بود، اما بعد از چند دهه و با نمایان شدن تدریجی کاستی‌های نظری و عملی برداشت کلاسیک و با آغاز دهه ۱۹۶۰م، در کنار بعد نظامی، ابعاد اقتصادی و کارآمدی حکومت و پدیده‌های فساد و ناکارآمدی سیاسی و اقتصادی به عنوان موضوعاتی واجد ابعاد امنیتی شناخته شدند. از این مقطع، موضوع توسعه از چنان برجستگی برخوردار شد که حتی برخی مانند مک نامارا از ایده امنیت مترادف با توسعه سخن به میان آوردند که به نوبه خود باب تازه‌ای در خصوص مسائل امنیتی فراروی امنیت‌پژوهان و سیاست‌گذاران امنیتی گشود. از آن پس، تهدیدهای امنیتی فقط در تهدیدات نظامی و آن هم از نوع خارجی منحصر نشد، بلکه در کنار آن، تهدیدهای سیاسی و اقتصادی که اغلب از سوی نیروهای

-
1. horizontal
 2. vertical
 3. Copenhagen school
 4. west-centered
 5. reductionism

داخلی، مشروعیت و کارآمدی نظام‌ها را نشانه می‌گرفتند واجد صبغه تهدیدزایی قلمداد شدند. به موازات گذشت زمان، لزوم بازاندیشی در پارادایم سستی در مظان تحلیل امنیت‌اندیشان قرار گرفت، به گونه‌ای که مانده تغییرات عصر جدید را مهم، اساسی و گسترده دانست که ضرورت شدید ارزیابی الگوهای در حال ظهور و ارائه افکار جدید را گوشزد می‌کند، چون به باور وی، بسیاری از مطالعات و نظریه‌پردازی‌های دوران جنگ سرد اکنون بی‌معنی، فاقد کارایی، کوتاه‌بینانه، عقب‌مانده و حتی نامربوط به نظر می‌رسند (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۶-۱۸).

بدین ترتیب، در تداوم روند تکاملی مطالعات امنیتی در دهه ۱۹۸۰م، ظهور مکتب کپنهاگ^۱ به پیش‌گامی بوزان و همکارانش موجب گسترش بیشتر ابعاد امنیت گردید. شارحان این مکتب به صراحت بر این باور بودند که مفهوم امنیت نباید فقط به حوزه مسائل و تهدیدهای نظامی محدود شود، بلکه با برداشتی عام‌تر، در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی نیز قابلیت کاربرد دارد (شیهان، ۱۳۸۸: ۶۴ و هورو، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۳). در همین راستا، بوزان امنیت اجتماعات انسانی را در پنج بخش عمده نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دسته‌بندی کرد (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴) و در کنار ارزش حفظ تمامیت ارضی و بقای نظام سیاسی حاکم (بعد نظامی)، ارزش‌های دیگری نظیر ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی (بعد اقتصادی)، مردم‌سالاری و چرخش قدرت و حقوق و آزادی شهروندان (بعد سیاسی) نیز در قالب ارزش‌های ملی به توسعه دامنه ابعاد امنیت ملی انجامیدند (درویشی، ۱۳۸۹: ۶۰).

متأخرترین مرحله تکامل مطالعات امنیتی و اوج تنوع‌بخشی به ابعاد امنیت با ارائه مفهوم «امنیت انسانی»^۲ از ناحیه سازمان ملل متحد متجلی شد. در این سند، امنیت انسانی وضعیتی تعریف می‌شود که در آن مردم از قید و بندها و فشارهای روحی و روانی که مانع رشد انسان می‌شود، آزاد و رها شوند و از تهدیدات مزمن و دیرپا چون گرسنگی، بیماری و سرکوب و از برهم خوردن ناگهانی و زیان‌آور الگوهای روزمره زندگی در امان باشند (شیهان، ۱۳۸۸: ۲-۲۴۱ و Bilgin, 2003: 204).

1. Copenhagen school
2. human security

در این برنامه، با محوریت سه ویژگی رهایی از نیاز، رهایی از ترس و کرامت انسانی، هدف امنیت انسانی حفاظت از هسته حیاتی زندگی همه انسان‌ها در برابر تهدیدات شایع و حاد معرفی می‌شود، به گونه‌ای که با رضایت و کرامت بلندمدت انسان سازگار باشد. امنیت انسانی از طریق شناسایی تهدیدات شایع و حاد، پیش‌گیری از مخاطراتی که هنوز رخ نداده‌اند، تخفیف و تسکین مخاطرات به وقوع پیوسته همراه با صدمات محدود و واکنشی به منظور حفاظت از شأن و کرامت انسانی قربانیان و بازماندگان از بلایا و تأمین معاش آنها تأمین می‌شود (پورسعید، ۱۳۸۷: ۵۴۸-۵۴۷).

چنانکه از تعاریف امنیت انسانی برمی‌آید، شارحان این نوع امنیت با فراتر رفتن از تعریف مضیق^۱ توسعه‌گرای اقتصادی، در صدد برآمدند شکوفایی کامل و همه‌جانبه انسان را مد نظر قرار دهند و با محور قرار دادن نیازها، آرزوها و توان‌مندی‌های انسان در فرایند توسعه، نفی هر گونه تبعیض را مورد تأکید قرار داده و خطرات امنیت انسانی را در سه دسته الف- خطرات معطوف به توسعه‌نیافتگی که موجب تشدید تهدید علیه خوشبختی انسان‌ها و بهداشت افراد است و رفع آنها به رهایی انسان‌ها از نیاز می‌انجامد، ب- منازعات و نقض حقوق انسانی و درگیری‌ها که باعث به خطر افتادن جان انسان‌ها می‌شوند و دفع آنها باعث رهایی از ترس می‌گردد و ج- مخاطرات و بلایای طبیعی که به رهایی انسان از تأثیرات مخاطرات می‌انجامد، تقسیم‌بندی کردند. بدیهی است امنیت انسانی همراه تأمین نیازهای ضروری در پی تأمین حقوق بنیادینی است که به مردم اجازه می‌دهد با حفظ شأن و کرامت انسانی خود زندگی کنند (یزدان فام، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۹).

طبق تعاریف متأخر، ابعاد هفت‌گانه امنیت انسانی عبارتند از امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشت و سلامت، امنیت زیست‌محیطی، امنیت شخصی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی. امنیت انسانی در مفهوم رهایی از نیاز ماهیت اقتصادی دارد و فقر و بیکاری در مرکز آن قرار می‌گیرد. این معضل، عمدتاً موجب تنش‌های سیاسی و خشونت‌های قومی در ابعاد محلی، ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی می‌شود. اغلب سوء تغذیه و نبود دسترسی کافی به دارو، آب سالم و دیگر ملزومات مراقبت‌های بهداشتی، امنیت سلامت را تهدید می‌کند. امنیت

شخصی شامل حفاظت از مردم در برابر خشونت‌های فیزیکی (چه از سوی دولت حاکم و چه از سوی کشورهای خارجی)، افراد خشونت‌گرا و عوامل فروملی، تجاوز جنسی یا سوء استفاده از سالمندان است. امنیت اجتماع یا جامعه محلی نیز ناظر بر حفاظت از مردم در برابر روابط و ارزش‌های سنتی زیان‌آور و خشونت‌های فرقه‌ای و قومی است (پورسعید، ۱۳۸۷: ۵۵۱-۵۵۲). امنیت اجتماعی^۱ در بازتوجه امنیت‌اندیشان به قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی و رسوم و وضعیتی که جوامع تهدیدی در مؤلفه‌های هویتی خود احساس کنند، تعریف گردید (موتیمر، ۱۳۸۰: ۳۸۸). بوزان و ویور با طرح امنیت اجتماعی یا جامعه‌ای، موضوع آن را پاسداری از هویت دانسته‌اند (نوبدینیا، ۱۳۸۵: ۶۰). بدین توضیح که اگر نیروهای اجتماعی مانند گروه‌ها، طبقات و اصناف بتوانند هویت و هستی خود را حفظ کنند و بدون تعدی به سایر هویت‌ها به خودابرازی بپردازند، اعتماد و اطمینان و در نتیجه امنیت اجتماعی حاصل شده است (نصری، ۱۳۸۴: ۳۱۴ و Roe, 2005: 3-4). به گفته بوزان، مهم‌تر از ترس‌های سنتی، پیدایش ناامنی نوین جامعه‌ای است و این جامعه‌ها هستند که در معرض علل و عوامل اصلی ناامنی واقع شده‌اند. از همین رو، موضوع هویت به مهم‌ترین و البته، مناقشه‌برانگیزترین عناصر مباحثات معاصر درباره ماهیت امنیت و آینده مطالعات امنیتی تبدیل شده است (Williams, 1998: 204). با عنایت به اهمیت این بعد نوظهور امنیت، بوزان و همکاران، امنیت جامعه‌ای را بدین شرح تعریف کرده‌اند: «مفهوم سازمان‌بخش اجتماعی هویت است و ناامنی جامعه‌ای زمانی وجود دارد که همبودهایی از هر نوع، تحول احتمالی را به عنوان تهدیدی برای بقای خود به عنوان همبود تعریف کنند.» طبق تعریف، امنیت جامعه‌ای ناظر بر گروه‌های هویتی بزرگ است. این مفهوم را می‌توان به منزله امنیت هویت^۲ هم گرفت. امنیت جامعه‌ای بر جمع‌ها و هویت آنها و اقدامات اتخاذشده برای دفاع از این گونه هویت «ما» ناظر است (بوزان، ویور، و ویلد، ۱۳۸۶: ۱۸۳-۱۸۴).

به عقیده بوزان، امنیت سیاسی به ثبات سازمان‌ها، دولت‌ها، نظام‌های حکم‌رانی و ایدئولوژی‌های مشروعیت‌بخش، بازمی‌گردد و تهدیدهای وجودی آن بر حسب اصل سازنده و

1. societal security
2. identity security

اساسی این بخش، یعنی حاکمیت و گاه نیز ایدئولوژی دولت تعریف می‌شود. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی نظم‌های اجتماعی است. گوهر بخش سیاسی را تهدیدهای مطرح برای حاکمیت دولت تشکیل می‌دهد. تهدیدهای سیاسی ثبات سازمانی دولت را هدف می‌گیرند. این تهدیدها گوناگون‌اند و از تحت فشار گذاشتن حکومت تا براندازی آن، دامن‌زدن به جدایی‌طلبی و از هم گسیخته کردن کالبد سیاسی دولت به قصد تضعیف آن را در بر می‌گیرد. آماج معمول تهدیدهای سیاسی اندیشه دولت، به ویژه هویت ملی و ایدئولوژی سازمان‌بخش و نهادهای تجلی‌بخش آن می‌باشند و نوعاً به اعطا یا دریغ‌داشتن شناسایی، پشتیبانی یا مشروعیت بازمی‌گردند. این گونه تهدیدها ممکن است متوجه ساختار موجود حکومت (با زیر سؤال بردن ایدئولوژی مشروعیت‌بخش آن)، یکپارچگی سرزمینی دولت (با تشویق جدایی‌گزیدن از هویت دولتی) یا موجودیت خود دولت (با تردیدکردن در حق دولت برای خودمختاری) باشد (بوزان، ویور و وایلد، ۱۳۸۶: ۲۱۵-۲۲۹).

بنابراین، چنانکه پیداست امنیت در معنای کنونی خود از جامعیت و گستردگی برخوردار و با امنیت پایدار مترادف شده که بر موضوعات امنیت اجتماعی، توان‌مندی شهروندان برای بالنده‌سازی و ابراز هویت خود، شیوه توزیع ثروت و قدرت به جای تولید انبوه آن و حفظ حقوق نسل‌های آتی که همه را می‌توان در ذیل امنیت انسانی خلاصه کرد، تأکید دارد (نصری، ۱۳۸۴: ۳۱۸) و با توجه به چنین درکی از امنیت ملی است که آزر و مون بر مؤلفه‌های مشروعیت، یکپارچگی و توانایی سیاست‌سازی، به مثابه اجزای مفید تشکیل‌دهنده نرم‌افزار مدیریت امنیتی تأکید کردند (آزر و مون، ۱۳۷۹: ۱۱۷-۱۲۳).

جمع‌بندی اینکه، بر خلاف رویکرد کلاسیک، در برداشت گسترده و چندبعدی از امنیت ملی، ضمن توجه به بعد نظامی، بر نقش عوامل داخلی، شامل عوامل اقتصادی، زیست‌محیطی، علم و دانایی، کارآمدی و توان سیاست‌سازی، روابط دولت و ملت (مشروعیت سیاسی)، توان یکپارچه‌سازی (ملت‌سازی)^۱ تأکید می‌شود. در این رویکرد، خاستگاه تهدیدهای امنیت ملی اغلب داخلی است. گرچه درون‌زا بودن تهدیدها هیچ‌گاه به معنی نادیده‌انگاری تهدیدات

خارجی نیست، بلکه بدین مفهوم است که تهدیدها چندبعدی هستند. به علاوه، تهدیدهای امنیتی فقط با سخت‌افزار نظامی قابل دفع نیست، بلکه به تناسب نوع و ماهیت آنها، راهبردها، سازوکارها و ابزارهای ویژه‌ای می‌طلبند (کریمی مله و بابایی، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۴). چنین برداشتی سازگار با ایده امنیت نرم^۲ است که اخیراً به قاموس مطالعات امنیتی افزوده شده است. امنیت نرم ناظر به شرایطی است که از جوامع و دولت‌ها در برابر صدمات و خطرات به گونه‌ای ملایم (آرام) و ناملموس (بدون جلب توجه) حراست می‌کند. این امنیت که متکی بر منابع قدرت نرم، یعنی فرهنگ و ارزش‌هاست و از شیوه‌های ناملموس، مسالمت‌آمیز و کلام‌محور بهره می‌برد، بر مکانیسم متقاعدکردن استوار است و به منزله رضایت جامعه و مشروعیت دولت بدون کاربرد خشونت و اجبار است (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۴۰).

د. امنیت ملی در الگوی مردم‌سالاری دینی

پیش از شناخت جایگاه امنیت ملی در الگوی مردم‌سالاری دینی، عنایت به نکته‌ای درباره شیوه تجزیه و تحلیل موضوع لازم به نظر می‌رسد و آن اینکه، به منظور فهم نسبت امنیت ملی و الگوی مردم‌سالاری دینی، دو شیوه متصور است: در روش نخست، رویکرد^۳ امنیتی این الگو در گفته‌های رهبران و نخبگان نظام سیاسی برآمده از این الگوی حکومتی جستجو می‌شود. به علاوه، تحلیل محتوای اسناد فرادستی مانند سند چشم‌انداز یا برنامه‌های توسعه و از همه مهم‌تر، قانون اساسی به عنوان جامع‌ترین و بنیادی‌ترین میثاق ملی نیز می‌تواند ما را به فهم این رویکرد نائل گرداند. در این پژوهش، رویکرد امنیتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سند چشم‌انداز به اختصار مورد توجه قرار می‌گیرد تا هم نگاه بنیان‌گذاران قانون اساسی در گذشته و هم‌افق حرکت نظام در آینده معین شود. در روش دوم، صرف نظر از نگاه رویکردی، از زاویه عملکردی^۴ به نتایج سیاست‌گذارانه برنامه‌ها و اقدامات نظام مردم‌سالار دینی برای تحقق شاخص‌های امنیت گسترده نگریسته و وضعیت امنیتی نظام سنجش و تحلیل می‌شود.

-
1. multidimensional
 2. soft security
 3. attitudinal
 4. performance

در این روش، با استناد به برخی شاخص‌های کلان عملکردی و وضعیت موجود و مقایسه با پتانسیل‌ها و قابلیت‌ها، توان امنیت‌سازی نظام سیاسی مبتنی بر الگوی مردم‌سالاری دینی توصیف می‌شود و در نهایت، با توجه به برخی کاستی‌های احتمالی که دارای پیامدهای امنیتی برای حال و آتی نظام متصور می‌شوند، الزامات سیاست‌گذارانه پیشنهاد می‌شود.

۱. الگوی مردم‌سالاری دینی و امنیت ملی از منظر رویکردی

از منظر رویکردی، می‌توان با تحلیل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، به تبیین نسبت الگوی مردم‌سالاری دینی و امنیت ملی پرداخت.

۱-۱. رویکرد امنیتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با عنایت به شیوه نخست می‌توان عناصر و مؤلفه‌های امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را احصا و با توجه به ابعاد متعدد مندرج در آن، امنیت انسانی و رویکرد مدرن و گسترده امنیت ملی را از آن استخراج نمود. مرور اجمالی اصول و فصول مختلف این میثاق ملی، گویای آن است که قانون‌گذار اساسی جمهوری اسلامی، انسان را به ما هو انسان، صرف نظر از شناسه‌های فردی، انجمنی، جغرافیایی، جنسیتی، نژادی و طبقاتی به رسمیت می‌شناسد و وی را بر اساس آموزه‌های دینی دارای کرامت ذاتی می‌داند و در محدوده ملی معیار شهروندی را مبنای حقوق و تعهدات انسان‌ها در نظر گرفته و دولت را مسئول حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه مادی و معنوی از افراد برشمرده است (قانون اساسی: اصل سوم). اصل سوم قانون اساسی به تنهایی از جامعیت لازم در بیان وجوه مختلف امنیت برخوردار است، به طوری که حتی اگر قانون‌گذار اساسی در دیگر اصول ابعاد امنیت ملی گسترده را تشریح و تصریح نمی‌کرد، می‌توانست مخاطب را نسبت به دریافت رویکرد چندبعدی و گسترده امنیتی قانون‌گذار کفایت کند، چه این اصل بر مسئولیت دولت برای تحقق امنیت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تأکید فراوان می‌گذارد. با این حال، در اصول متعدد دیگر نیز تعهدات و حقوقی را برای دولت و شهروندان

برشمرده که ناظر به ابعاد چندوجهی امنیت به نظر می‌رسند. به عنوان مثال، در خصوص امنیت سیاسی که مبنای مشروعیت رژیم سیاسی در عمیق‌ترین سطح آن است، اصل ۱۷۷ بر ضرورت اسلامی بودن همه قوانین و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر موازین اسلامی و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و مذهب رسمی تأکید نموده و در اصول گوناگون، قیود آزادی‌ها و حقوق بشر را در سه ویژگی بقای رژیم سیاسی، تغییرناپذیری تمامیت ارضی و حفظ و ارتقای انسجام اجتماعی معرفی کرده است (اصول ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰). علاوه بر آن، اصل ۶۸ که به لزوم برگزاری انتخابات در زمان جنگ و اشغال کشور اشعار دارد و توقف برگزاری آن را با محدودیت‌های پیچیده‌ای پذیرفته است، نشانگر مردم‌پایگی بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است (پورسعید، ۱۳۸۷: ۵۵۸-۵۵۷).

بعد اقتصادی امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ناظر به تأمین امکانات مساوی برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری آنها، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه، ایجاد رفاه و فقرزدایی، رفع محرومیت همه‌جانبه، تأمین امنیت غذایی و سلامت به دفعات و به بیان‌های گوناگون تصریح شده است (اصول ۲، ۳، ۴۳). از منظر قانون‌گذار اساسی، هدف نهایی اقتصاد در نظام مردم‌سالار دینی تأمین نیازهای انسانی و رهایی آنها از عارضه گرسنگی، فقر، بیماری، بی‌خانمانی و بی‌سوادی است (پورسعید، ۱۳۸۷: ۵۶۰). در تداوم تکمیل ابعاد امنیت ملی، قانون اساسی به بعد امنیت شخصی نیز پرداخته و در ذیل امنیت قضایی، مصونیت شخصی شهروندان در برابر تعرض دیگران (اصول ۳، ۲۲، ۲۳، ۲۵) و تأمین حمایت قضایی (اصول ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷) را مورد تأکید قرار داده است (پورسعید، ۱۳۸۷: ۵۶۳-۵۶۱). گذشته از آن، قانون اساسی با تصریح به لزوم رفتار مبتنی بر قسط و عدل اسلامی در نظام دینی با اقلیت‌های دینی و مذهبی (اصل ۱۴) و آزادی آنان در انجام مناسک و آیین‌های دینی و مذهبی، طبق تعالیم دینی خود در احوال شخصیه (اصول ۱۲ و ۱۳)، آشکارا اهتمام خود را به تأمین امنیت جامعه‌ای اعضای گروه‌های متنوع فرهنگی نشان داده است.

این میثاق ملی برای پوشش دادن مردم برای بهره‌مندی از مزایا و منافع سیاست‌های اجتماعی و گسترش شعاع دایره استحقاق شهروندان از منابع و ارزش‌های عمومی، مؤلفه‌های تمایزبخش و تفکیک‌کننده را انکار و بر تکیه بر عنصر فراگیر شهروندی اصرار دارد و در سامان‌دهی به

گفتمان هویتی خود در مقوله سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، جغرافیای دربرگیری خود را به ورای معیارهای محدود و تمایزبخش قومی، زبانی و نژادی گسترانده و همه اعضای جوامع متنوع فرهنگی را در پرتو اصل مساوات و نفی تبعیض، تحقق عدالت و برابری و ارتقای کیفیت زندگی همه ایرانیان، در دایره «مابودگی» قرار می‌دهد (کریمی و قاسمی طوسی، ۱۳۹۳: ۴۶).

به علاوه، قانون اساسی در اصل یک‌صدوپنجاه خود به امنیت زیست‌محیطی نیز پرداخته و صیانت و حفاظت از محیط زیست را وظیفه‌ای همگانی و هر گونه فعالیت‌های اقتصادی که موجب تخریب یا آلودگی محیط زیست شود را منع و اقدامی در جهت تهدید نسل کنونی و آتی معرفی کرده است. توجه به این بعد از امنیت ملی نشان می‌دهد رویکرد قانون اساسی در جهت تکمیل ابعاد امنیت انسانی بوده است (پورسعید، ۱۳۸۷: ۵۶۳). پرداختن به ابعاد متعدد امنیت در قانون اساسی نشان می‌دهد قانون‌گذار اساسی بر رویکرد گسترده و چندبعدی امنیت صحه گذاشته و نیل به امنیت پایدار را مرهون تحقق همه اجزا و عناصر آن می‌پندارد.

۲-۱. رویکرد امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴

در رویکردی آینده‌نگرانه که خود قدمی تازه در برنامه‌نویسی‌های توسعه‌محور نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌رود، نخبگان و برنامه‌ریزان برای جهت‌دادن به فعالیت‌های خرد و کلان سیاست‌گذارانه و اجرایی و دست‌یافتن به جایگاهی شایسته در محیط رقابتی و متحول منطقه‌ای و جهانی، به تدوین سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ همت گماشتند که دارای دلالت‌های امنیتی آشکار است. واکاوی این سند نمایان‌گر آن است که رویکرد آن با امنیت گسترده و انسانی سازگاری دارد. مطالعه سند نشان می‌دهد واژه‌های «امن»، «امنیت اجتماعی و قضایی»، و «امنیت غذایی» به صراحت در آن به کار رفته است، اما عبارات دیگری نیز به دلالت به کار رفته که اجزایی از امنیت گسترده به شمار می‌روند. تأمل در عبارات و واژگان این سند اشمال آن بر:

الف. ابعاد فرهنگی - هویتی امنیت ملی (شامل اتکا به اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، استحکام خانواده، افتخار به ایرانی‌بودن، سرمایه اجتماعی، هویت اسلامی و انقلابی و متعهد به انقلاب و نظام اسلامی)،

ب. بعد سیاسی (مردم‌سالاری دینی، آزادی‌های مشروع، پیوستگی مردم و حکومت)،

- ج. بعد اقتصادی (رفاه و تأمین اجتماعی، توزیع مناسب درآمد، فقدان فقر، فساد و تبعیض، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل)،
- د. بعد زیست‌محیطی با عبارت مردم بهره‌مند از محیط زیست مطلوب،
- ه. بعد اخلاقی با واژه‌های فعال، مسئولیت‌پذیر، رضایتمند، ایثارگر و مؤمن، انضباط،
- و. بعد علمی با عبارت برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری،
- ز. بعد نظامی با واژه‌های امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه (افتخاری، نادری و میسمی، ۱۳۹۰: ۶۲) را نشان می‌دهد و قرابت و انطباق رویکرد امنیتی خود را با برداشت مدرن، گسترده و چندوجهی از امنیت ملی به نمایش می‌گذارد.

۲. الگوی مردم‌سالاری دینی و امنیت ملی از منظر عملکردی

بررسی عملکرد نظام سیاسی مبتنی بر الگوی مردم‌سالاری دینی بر این فرض استوار است که صرف برخورداری از رویکرد جامع و روزآمد نسبت به امنیت ملی برای سنجش وضعیت امنیتی جامعه و توان سیاست‌سازی نظام سیاسی کفایت نمی‌کند، بلکه علاوه بر آن لازم است برون‌دادها یا همان نمودهای اجرایی و عملکردی که اثرات سیاست‌های برآمده از آن رویکردها هستند نیز البته با هدف آسیب‌شناسانه مورد توجه قرار گیرد، زیرا منطقاً می‌توان و باید میان تلاش‌ها یا آنچه دولت انجام می‌دهد و نتایج عملی این تلاش‌ها تمایز قائل شد. ممکن است حکومت‌ها مبالغ‌یکسانی را صرف آموزش و پرورش، بهداشت یا دفاع کنند، ولی نتایج متفاوتی به دست آورند و این دقیقاً موضوعی است که به موضوع کارایی حکومت ناظر است (آلموند و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۵-۲۶). در این قسمت از نگاشته با استناد به داده‌های ملی و بین‌المللی به برخی از نتایج سیاست‌هایی که بعد از انقلاب اسلامی اجرا شده و از منظر امنیتی دارای پیامدهای مثبت یا منفی است، اشاره می‌شود.

در خصوص امنیت جامعه‌ای، این نکته گفتنی است که با توجه به برخی شاخص‌های کلان عملکردی مانند فقدان منازعات بین قومی، ناستواری‌های سازمان‌یافته سیاسی - امنیتی در میان گروه‌های متنوع فرهنگی و غیره می‌توان امنیت جامعه‌ای نظام را نسبتاً مناسب تلقی کرد و این

موضوع دلایل ساختاری متعدد دارد، چون زندگی دیرپا و مشترک تمام ایرانیان و تداوم نهاد سیاسی دولت باعث شده آنان در برابر رویدادهای تاریخی از تجربه مشترک برخوردار شوند. این تجربه تاریخی مشترک موجب شده اقوام ایرانی به ویژه در دوران بحران‌های ناشی از تهاجم خارجی، مدافع مرزها و تمامیت سرزمینی کشور باشند و به رستاخیز سیاسی ایران و بازسازی و تداوم آن کمک شایانی کنند. ایستادگی ایرانیان عرب در برابر هجوم ارتش عراق، پایداری ایرانیان بلوچ در جریان جنگ جهانی اول در برابر ارتش انگلستان و سرانجام، مشارکت همه ایرانیان در دفاع از یکپارچگی سرزمینی ایران در جریان دفاع مقدس، نمونه گویایی از وجود درجه بالایی از امنیت جامعه‌ای و همبستگی اجتماعی در بین گروه‌های متنوع فرهنگی و قومی ایران است.

به بیان دیگر، پدیده دولت و الزامات زیست مشترک چند هزارساله به شکل‌گیری میراث فرهنگی مشترک در تاریخ کهن این سرزمین به شکل آیین‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم گوناگون انجامیده که در کنار آموزه‌های مشوق همزیستی در دین اسلام که تفاوت‌های قومی، نژادی، زبانی و زیستی را در مقایسه با صلاحیت‌های اعتقادی، فکری و رفتار دین‌محور فاقد اصالت معرفی می‌کند (قرآن کریم، حجرات: آیه ۱۳)، موجب شده ایرانیان برای صیانت از هویت مشترک خود از منازعه‌های درونی و بین گروهی پرهیز کنند.

در شرایط کنونی نیز به رغم تحولات عمیق و ساختاری و سیاسی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، داده‌های ثانویه فقدان سویه‌های ستیزه‌جویانه بین قومی یا بین هویت قومی و هویت ملی را تأیید می‌کند. در این خصوص، یافته‌های تحقیقات پیمایشی مختلف در مورد رابطه بین هویت ملی و قومی، بر هم‌نوایی و هم‌زیستی سیاسی آنها و فقدان تفاوت معنادار بین گروه‌های متنوع فرهنگی دلالت دارد. پاسخی که پاسخ‌دهندگان گروه‌های قومی مختلف به پرسش‌های پیمایش ملی داده‌اند، ادعای فوق را تصدیق می‌کنند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱: ۲۴۹). گذشته از آن، تحقیقاتی که درباره نسبت بین هویت‌های قومی و هویت ملی در سال‌های اخیر انجام شده نشان می‌دهند که این دو هویت فاقد ناهمسازی و تعارض با یکدیگر هستند که پژوهش‌های رضایی، ریاحی و سخاوتی‌فر، ۱۳۸۶، ربانی و دیگران، ۱۳۸۸، اکوانی، ۱۳۸۷ و مقدس جعفری، شیخاوندی و شریف‌پور، ۱۳۸۷ و مشابه آنها از این دست به شمار می‌روند. قوت عناصر انسجام‌بخش به حدی عمیق است که توانسته نقش عوامل و انگیزه‌های

سیاسی - ابزاری داخلی یا خارجی یا اقتضائات دوران گذار و یا ضعف قدرت سیاسی را بی‌اثر ساخته و همچنان مانع ناهمسازی سیاسی و کشمکش‌های بین قومی گشته و بر عکس، همزیستی و همسازی هویت‌های متنوع را تداوم بخشید، به گونه‌ای که به رغم برخی تحولات قومی در مقاطعی از تاریخ ایران، این رخدادها از سنخ ستیزه بین قومی نبوده، بلکه کنش‌هایی در راستای بیگانه‌ستیزی، حفظ سرزمین، مقابله با استبداد و بی‌کفایتی طبقه حاکم بوده است و حتی تکوین بعضی تحرکات اعتراضی علیه حکومت‌ها در ادوار گوناگون تاریخی نیز نه به خاطر خصیصه قومی آنها، بلکه بر ضد سیاست‌های نادرست، رفتار استبدادآمیزانه و خودکامگی آنها یا تحولات ناشی از دوران گذار سیاسی مثل سال‌های آغازین انقلاب اسلامی صورت گرفته است (کریمی و مؤذن، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۸).

هرچند بنیادهای انسجام ملی استحکام بی‌مانند خویش را نشان داده که ضمانت مؤثری برای تحقق و پایداری امنیت جامعه‌ای ایران است، اما از زاویه دیگر، آمار و ارقام برخی شاخص‌های ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق، سرقت، قانون‌گریزی و عدم مراعات تکالیف شهروندی، تکدی‌گری، اعمال منافی عفت، قتل عمد، ضرب و جرح و خشونت اجتماعی، ابتلا به ایدز و مسائلی مانند آن، ناکارآمدی اقدامات و سیاست‌های متخذه در حوزه اجتماعی را حکایت می‌کند و حتی در موضوع زیربنایی سرمایه اجتماعی و پیامدهای گسترده‌ای که در ابعاد گوناگون دارد نیز پژوهش‌های میدانی تقویت آن را روایت نمی‌کند. برای مثال، یافته‌های یک پیمایش ملی در خصوص میزان سرمایه اجتماعی جوانان نشان می‌دهد میزان آن در بعد روابط انجمنی پایین است و در این بعد، کمترین سرمایه اجتماعی به قبول مسئولیت اجرایی در نهادهای مدنی و پس از آن کمک‌های فکری و مالی برمی‌گردد و مؤلفه هنجارها و اعتماد اجتماعی نیز در حد کم رو به متوسط ارزیابی شده و کمترین حد اعتماد هم متعلق به اعتماد به مسئولان است (شبان‌ی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۴-۷۵ و عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۸: ۲۱۶). در مجموع، نتایج مطالعات انجام‌گرفته نشان می‌دهد در جامعه امروز، میزان سرمایه اجتماعی کاهش یافته و این امر به افزایش آسیب‌های اجتماعی در سطوح مختلف خرد و کلان و در روابط اجتماعی افراد و گروه‌ها و خرده‌نظام‌های اجتماعی منجر شده است (باقری زنوز و علمی، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

در بعد سیاسی نیز الگوی مردم‌سالاری دینی توانسته به رغم برخی تنگناهای سیاسی و تحولات ساختاری، مقبولیت مردمی خود را در حد قابل قبولی حفظ نموده و با ارائه خدمات و بهبود شرایط زندگی روزمره مردم و التزام اکثریت مردم به آموزه‌های دینی و مذهبی که اتفاقاً بنیان مشروعیت سیاسی نظام بر آن استوار شده است، تلفیق متعادلی از مشروعیت الهی- مردمی به نمایش بگذارد و در مواقعی، مشروعیت ثانویه نیز کسب کند. مشارکت مردم در ادوار گوناگون انتخابات ملی و محلی که مؤید رقابت سیاسی درون نظام تعریف می‌شود، از بعد سیاسی امنیت ملی حکایت می‌کند. نرخ مشارکت مردم در ادوار گوناگون انتخابات ریاست جمهوری از دور اول معادل ۶۷/۴٪، دوم برابر با ۶۴/۲٪، سوم مساوی با ۷۴/۲٪، چهارم برابر با ۵۴/۷٪، پنجم معادل ۵۴/۶٪، ششم به میزان ۵۰/۵٪، هفتم به اندازه ۷۹/۹٪، هشتم معادل ۶۶/۶٪، نهم برابر با ۶۲/۸٪، تا دوره دهم مساوی ۸۵٪ (www.fararu.com)، مؤید صحت مدعای فوق است. به علاوه، توانایی بسیج سیاسی از طریق کاربست و عملیاتی کردن توانایی نمادین نظام سیاسی که در تنگناهای ملی توانسته فشارهای وارده بر آن را کاهش داده و آن را در مواجهه با مسائل و بحران‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مدد رساند، از مطلوب بودن این بعد از امنیت ملی حکایت می‌کند. ظرفیت بسیج‌کنندگی نظام در برانگیختن پشتیبانی مردمی از برنامه‌های هسته‌ای خود و ایستادگی در برابر تحریم‌های اقتصادی و تداوم حضور مردم در راه‌پیمایی‌های حمایتی و مقبولیت‌نمای نظام در روزهای قدس و سالگشت پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد گویایی برای اثبات مدعای یادشده است.

علاوه بر بعد سیاسی و جامعه‌ای، کارنامه نظام در زمینه ارتقاء شاخص‌های توسعه انسانی و بهسازی جایگاه ایران در رتبه‌بندی جهانی و رشد جهش‌گونه ظرفیت تولید علم ایران به خصوص در علوم راهبردی در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، حکایت از بهبود شاخص‌های امنیتی در حوزه‌های سلامت، آموزش، علم و فناوری و برخورداری بهتر از شاخص‌های رفاه عمومی دارد. طبق برآورد سازمان ملل متحد، شاخص‌های توسعه انسانی ایران از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۳ به شرح زیر است:

جدول میزان شاخص‌های توسعه انسانی از ۱۹۸۰-۲۰۱۳

سال ۱۹۸۰	۰/۴۹۰
سال ۱۹۹۰	۰/۵۵۲
سال ۲۰۰۰	۰/۶۵۲
سال ۲۰۰۵	۰/۶۸۱
سال ۲۰۰۸	۰/۷۱۱
سال ۲۰۱۰	۰/۷۲۵
سال ۲۰۱۱	۰/۷۳۳
سال ۲۰۱۲	۰/۷۴۹
سال ۲۰۱۳	۰/۷۴۹
رتبه در ۲۰۱۲	۷۳
رتبه توسعه انسانی در ۲۰۱۳-۲۰۰۸	۱۰
میانگین رشد ۱۹۸۰-۱۹۹۰	۱/۱۹
میانگین رشد ۱۹۹۰-۲۰۰۰	۱/۶۹
میانگین رشد ۲۰۰۰-۲۰۱۰	۱/۰۷

منبع: (WWW.HUMAN DEVELOPMENT INDICATORS INDEX 2014)

همچنین، افزایش قابل توجه نرخ امید به زندگی در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی از میانگین ۵۴/۱ سال در سال ۱۹۸۰م. به ۷۴ سال در سال ۲۰۱۳، حاکی از اجرای سیاست‌های گسترده و موفق بهداشت و سلامت، آموزش و ترمیم شکاف‌ها و نابرابری‌های جنسیتی و مآلاً ارتقای میزان رفاه عمومی و رضایت‌مندی از زندگی و افزایش ضریب امنیتی جامعه دارد. آمار سازمان ملل متحد رشد جایگاه ایران را از نظر شاخص توسعه انسانی در رده‌بندی جهانی حکایت می‌کند. طبق آمار سازمان ملل، رتبه ایران در سال ۱۹۷۹ از نظر توسعه انسانی از میان ۱۸۲ کشور ۱۶۰ بود، اما در سال ۲۰۱۱ با ۷۲ پله صعود به رتبه ۸۸ ارتقا یافته است. طبق دسته‌بندی این سازمان، ایران در سال ۱۹۷۹م. در طبقه کشورهای با توسعه انسانی پایین جا داشت، اما اینک جزو کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار گرفته است.

به رغم توفیق کارکردی در شاخص‌های فوق، نگاهی به برخی شاخص‌های کلان اجتماعی-اقتصادی، ناکارآمدی و کاستی‌های مشهودی را در عملکرد دستگاه‌های حکومتی می‌نمایاند که هر یک به نوبه خود در گام نخست آسیب‌های جدی و در صورت عدم مدیریت بهنگام و کارآمد، تهدیدهایی اساسی را متوجه امنیت ملی کشور می‌کند. برای مثال، با اینکه عوامل زیست‌محیطی همواره در هم‌گرایی ملی و امنیت پایدار تأثیرگذار هستند و تهدیدات و مخاطرات زیست‌محیطی انسانی، امنیت ملی را به چالش می‌کشد و به اختلال در نظم عمومی جامعه می‌انجامد (جاجرمی، پیشگاهی فرد و مهکویی، ۱۳۹۲: ۱۹۶)، اما در دهه‌های اخیر پیوست زیست‌محیطی برنامه‌های توسعه مغفول واقع شده، به طوری که اینک چالش‌های اساسی را فراروی امنیت انسانی ایجاد کرده است که بحران کمپایی منابع زیستی از قبیل آب و خاک از آن جمله‌اند. اگرچه این بحران تهدید آنی محسوب نمی‌شود، اما فشارهایی را پدید می‌آورد که موجب تشدید احساسات و برانگیختن برخوردهای محلی، قومی، وقوع آشوب و شورش می‌شود. شکل‌گیری اعتراض‌های محلی به بحران خشک‌شدن دریاچه ارومیه و تلاش برای بسیج سیاسی پیرامون آن و خشک‌شدگی پیش‌رونده تالاب‌های زریوار، انزلی، هامون و پریشان و تعدادی دیگر، از نمونه‌های قابل ذکر به شمار می‌روند.

ایران به عنوان یکی از کشورهای واقع در منطقه نفتی خاورمیانه و خلیج فارس، به دلیل شرایط توپوگرافیک و موقعیت جغرافیایی خود، بیش از دیگر کشورها در معرض تهدیدات زیست‌محیطی قرار دارد و در نتیجه نه تنها از پیامدهای سوء امنیتی و اجتماعی-اقتصادی آن به دور نمانده، بلکه به خاطر فقدان مدیریت راهبردی، از جمله کشورهای پیش‌گام در تخریب محیط زیست ظاهر شده است. برای مثال، ایران جزو ۱۰ کشور اول جهان در آلودگی هواست و در مسائلی همچون فرونشست زمین، نابودی تالاب‌ها و بیابان‌زایی، غالباً در شمار ۱۰ کشور اول دنیا است (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۳۵).

توجه به برخی آمارهای زیست‌محیطی، شدت تهدیدهای بالفعل و بالقوه زیست‌محیطی را نمایان می‌سازد. آثار مخرب امنیتی و آلاینده محیطی پسماندها، چشم‌انداز امنیت

زیست‌محیطی ایران را موضوعی حائز اهمیت نشان می‌دهد. برای مثال، در مناطق شهری کشور، روزانه ۵۰ هزار تن زباله تولید می‌شود که خود آلودگی ۶۰ درصد منابع آب زیرزمینی و سطحی کشور را در پی دارد. سالانه بیش از یک میلیارد و ششصد میلیون متر مکعب پساب کشاورزی، دویست میلیون متر مکعب پساب صنعتی و صدوشصت میلیون متر مکعب پساب شهری و هزاران متر مکعب پساب بیمارستانی فقط به کارون وارد می‌شود که دورنمای استفاده از آن را تیره نشان می‌دهد. در بیشتر دشت‌های ایران، برداشت بیش از حد مجاز از منابع آب زیرزمینی، عامل اصلی ایجاد فرونشست شده، به طوری که ۳۰۰ دشت از ۶۰۰ دشت کشور در معرض خطر افت شدید منابع آب و فرونشست زمین قرار دارند. تغذیه آب‌های زیرزمینی ۷/۵ متر مکعب است، در صورتی که برداشت از سفره‌های زیرزمینی به ۷/۷ متر مکعب رسیده است. آلودگی هوای تهران در سال ۳۸ برابر استانداردهای جهانی و سرعت رشد و شتاب گسترش فرسایش خاک در ایران ۶ برابر استانداردهای جهانی است که سالانه معادل یک میلیون هکتار تخریب زمین‌های کشاورزی است (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۴۴-۵۳). این عوارض زیست‌محیطی که در چند دهه اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته و بیشتر محصول برآیند موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی سرزمین ایران، کم‌توجهی به نقش جستارهای پایداری محیط در طراحی و اجرای سازه‌ها و فضاها، ناآگاهی عمومی و کم‌توجهی سازمان‌های دولتی و فقدان سیاست‌گذاری راهبردی است و شرایطی را رقم زده که به نظر می‌رسد تداوم این وضعیت، کشور را در آینده با چالش‌های دیرپای امنیتی محیط‌محور، پرهزینه و زمان‌بر، رویارو خواهد کرد (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۳۳).

طبق صراحت اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست وظیفه‌ای عمومی است. به رغم این تصریح قانونی، شدت مخاطرات زیست‌محیطی به قدری نگران‌کننده است که بنا بر گزارش شاخص عملکردی محیط زیست در سال ۲۰۰۶، رتبه ایران از میان ۱۳۳ کشور جهان ۵۳ و در دوره ارزیابی بعدی در سال ۲۰۰۸ میلادی، با ۱۵ پله نزول به ۶۸ و در آخرین رده‌بندی در سال ۲۰۱۰ میلادی نیز با ۱۰ پله نزول به جایگاه ۷۸ تنزل یافته است. این آمارها ضمن اینکه زینده نظام اسلامی نیست، این نکته را به ذهن متبادر

می‌کند که کلیه کنش‌گران عرصه محیط زیست ایران و در رأس همه دولت، در زمینه حفاظت از محیط زیست، عملکردی موفق و دیدگاهی ژرف‌نگر و راهبردی از خود به جای نگذارده‌اند (جاجرمی، ۱۳۹۲: ۲۱۱).

گذشته از تهدیدهای زیست‌محیطی، شاید ادعای اینکه مهم‌ترین بعد عملکردی که چالش‌هایی را متوجه امنیت نظام جمهوری اسلامی می‌کند، اقتصادی است، عاری از واقعیت نباشد. بنابراین، در این بخش برخی از مهم‌ترین شاخص‌ها که در افزایش توان ملی مؤثر بوده و در نهایت، به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر امنیت ملی مؤثر هستند، مورد توجه قرار می‌گیرد. درآمد ملی یکی از شاخص‌های مؤثر برای اندازه‌گیری فعالیت اقتصادی جامعه و سنجش میزان برخورداری از رفاه اقتصادی است. افزایش درآمد ملی به معنی افزایش درآمد سرانه کشور و کاهش مشکلات و معضلات اجتماعی است که به مشروعیت بیشتر دولت و ایجاد فضای امن و آرام در جامعه و مآلاً بالارفتن ضریب امنیت ملی می‌انجامد. همچنین، افزایش درآمد ملی به معنی بهبود توان اقتصادی و افزایش توان تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای و جهانی است که خود مقوم امنیت ملی محسوب می‌شود. از طرف دیگر، بهبود شاخص‌های درآمدی کشور، ارتقاء توانایی و امکان سرمایه‌گذاری بیشتر آن در تدارک نیازمندی‌های نظامی را موجب شده و افزایش ظرفیت بازدارندگی در قبال رقبا و متخاصمان را به دنبال دارد. به گواهی آمار بانک جهانی، درآمد سرانه ایران در سال ۱۹۸۰م معادل ۲۲۰۰ دلار اعلام شده، اما به رغم درگیر شدن کشور در جنگی ناخواسته و تحمیلی پرهزینه و مواجه شدن با افت و خیزهای شدید، در سال ۲۰۱۳م درآمد سرانه ایران به رقم ۵۷۸۰ رسیده (www.data.worldbank.org, 2014) و این در حالی است که با عنایت به ظرفیت‌های منابع طبیعی و انسانی موجود و نگاهی مقایسه‌ای با دیگر کشورهای منطقه رقم مقبولی به نظر نمی‌رسد. به علاوه، چنانکه جدول زیر نشان می‌دهد، نرخ رشد اقتصادی نیز بعد از انقلاب اسلامی پرنوسان نشان داده که به طور قطع این میزان نرخ رشد تکافوی الزامات زیست‌مدرن ایران در فضای پرقابلیت منطقه‌ای و جهانی را نمی‌نماید.

جدول نرخ رشد اقتصادی پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷-۱۳۹۲

سال	نرخ رشد	سال	نرخ رشد	سال	نرخ رشد
۱۳۵۹	۱۳/۲-٪	۱۳۷۱	۴/۳٪	۱۳۸۳	۵/۱٪
۱۳۶۰	۵/۲-٪	۱۳۷۲	۱/۶-٪	۱۳۸۴	۴/۶٪
۱۳۶۱	۱۳٪	۱۳۷۳	۴-٪	۱۳۸۵	۵/۹٪
۱۳۶۲	۱۲/۶٪	۱۳۷۴	۲/۷٪	۱۳۸۶	۷/۸٪
۱۳۶۳	۱/۶-٪	۱۳۷۵	۷/۱٪	۱۳۸۷	۶-٪
۱۳۶۴	۲/۱٪	۱۳۷۶	۳/۴٪	۱۳۸۸	۳/۹٪
۱۳۶۵	۹/۲-٪	۱۳۷۷	۲/۷٪	۱۳۸۹	۵/۹٪
۱۳۶۶	۱/۴-٪	۱۳۷۸	۱/۹٪	۱۳۹۰	۳-٪
۱۳۶۷	۶/۳-٪	۱۳۷۹	۵/۱٪	۱۳۹۱	۳-٪
۱۳۶۸	۶/۲٪	۱۳۸۰	۳/۷٪	۱۳۹۲	۵/۸-٪

منبع: (World Bank Indicators 2014)

شاخص بیکاری، به ویژه بیکاری جوانان با پیامدهای حاد امنیتی نیز در ذیل شاخص‌های اقتصاد کلان قابل بررسی است، زیرا بیکاری به مثابه یکی از مشکلات عمیق و ساختاری اقتصاد ایران، علاوه بر اینکه قطع درآمد گروه بیکاران را در پی دارد و از نظر رفاهی تنگناهای حادی را بر آنان تحمیل می‌کند، تبعات اجتماعی مهمی نیز دارد و می‌تواند عامل تقویت و یا منشأ آسیب‌های اجتماعی با پیامدهای ناگوار برای سلامت روانی و سرزندگی اجتماعی باشد و این خود به طور غیرمستقیم بر امنیت ملی کشور تأثیرگذار است. در شرایط کنونی با نرخ رشد بیکاری به میزان ۲۰ تا ۲۳ درصد رقم بیکاران کشور بین ۲/۷ تا ۴ نفر برآورد می‌شود که با احتساب بیکاران پنهان سالانه به ایجاد ۷۵۰ هزار فرصت شغلی جدید نیاز است که دولت‌ها نشان دادند که از تدارک این مقدار فرصت شغلی

ناتوانند و این امر می‌تواند به سرگردانی و بلا تکلیفی بخش عظیمی از جمعیت فعال کشور بیانجامد که خود برای امنیت و سلامت اجتماعی آسیب‌زا و چالش‌برانگیز باشد. نرخ دورقمی بیکاری، به ویژه بیکاری جوانان تحصیل کرده، ضمن اینکه سزاوار نظام مردم‌سالار دینی است و اگرچه تضییقات تحمیلی از سوی دولت‌های متخاصم در نوسان نرخ بیکاری اثرات انکارناپذیری دارد، اما نقش سوء مدیریت را نمی‌توان در پیدایش و استمرار نرخ آن نادیده انگاشت. در جدول زیر نرخ بیکاری از آغاز دهه ۱۳۷۰.م.ش تا کنون آمده است.

جدول نرخ بیکاری در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۲

سال	نرخ بیکاری	سال	نرخ بیکاری
۱۳۷۰	۱۱/۱	۱۳۸۱	۱۲/۸
۱۳۷۱	۱۲	۱۳۸۲	۱۲/۲
۱۳۷۲	۱۱/۶	۱۳۸۳	۱۰/۳
۱۳۷۳	۱۱/۳	۱۳۸۴	۱۲/۱
۱۳۷۴	۱۱	۱۳۸۵	۱۱/۶
۱۳۷۵	۱۰/۹	۱۳۸۶	۱۰/۶
۱۳۷۶	۱۱/۲	۱۳۸۷	۱۰/۵
۱۳۷۷	۱۱/۲	۱۳۸۸	۱۲
۱۳۷۸	۱۱/۲	۱۳۸۹	۱۳/۵
۱۳۷۹	۱۳	۱۳۹۰	۱۳/۳
۱۳۸۰	۱۲/۲	۱۳۹۱	۱۳/۱

منبع: (World Bank Indictors 2014)

از دیگر شاخص‌های اقتصاد کلان که تبعات امنیتی باواسطه عمیق دارد، تورم است که اثرات مهمی بر توسعه، تولید و تجارت داشته و برای توسعه اقتصادی چالش‌برانگیز و کاهنده قدرت رقابت تولیدات ملی در بازارهای داخلی و جهانی و افزاینده کسری بیشتر موازنه تجاری

ارزیابی می‌شود. کاهش تورم نه تنها بر رشد و تولید تأثیرگذار است بلکه بر میزان رضایتمندی عمومی هم اثر بسیاری می‌گذارد. هر چه سطح قیمت‌ها پایین‌تر باشد، قدرت خرید جامعه بالاتر و به عبارتی دیگر میزان رفاه جامعه نیز بالاتر خواهد بود که به تقویت بیشتر امنیت ملی کمک می‌کند (نگین تاجی، ۱۳۹۰: ۱۹۸-۱۹۹). جدول زیر روند پایداری نرخ تورم بعد از انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد:

جدول نرخ تورم سال‌های پس از انقلاب به درصد

نرخ تورم	سال	نرخ تورم	سال	نرخ تورم	سال
۱۵,۸	۱۳۸۱	۹	۱۳۶۹	۱۰	۱۳۵۷
۱۵,۶	۱۳۸۲	۲۰,۷	۱۳۷۰	۱۱,۴	۱۳۵۸
۱۵,۲	۱۳۸۳	۲۴,۴	۱۳۷۱	۲۳,۵	۱۳۵۹
۱۰,۴	۱۳۸۴	۲۲,۹	۱۳۷۲	۲۲,۸	۱۳۶۰
۱۱,۹	۱۳۸۵	۳۵,۲	۱۳۷۳	۱۹,۲	۱۳۶۱
۱۸,۴	۱۳۸۶	۴۹,۴	۱۳۷۴	۱۴,۸	۱۳۶۲
۲۵,۴	۱۳۸۷	۲۳,۲	۱۳۷۵	۱۰,۴	۱۳۶۳
۱۰,۸	۱۳۸۸	۱۷,۳	۱۳۷۶	۶,۹	۱۳۶۴
۱۲,۴	۱۳۸۹	۱۸,۱	۱۳۷۷	۲۳,۷	۱۳۶۵
۲۱,۵	۱۳۹۰	۲۰,۱	۱۳۷۸	۲۷,۷	۱۳۶۶
۳۰,۵	۱۳۹۱	۱۲,۶	۱۳۷۹	۲۸,۹	۱۳۶۷
۳۴,۷	۱۳۹۲	۱۱,۴	۱۳۸۰	۱۷,۴	۱۳۶۸
۲۵,۳	تیرماه ۹۳				

(منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)

علاوه بر اینها وابستگی زیاد اقتصاد ملی به نفت و پیامدهای زیان‌بار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن، شکاف و فاصله درآمدی بین ثروتمندترین و فقیرترین اقشار جامعه، تعداد شهروندانی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، فساد اقتصادی و برخی آسیب‌های اجتماعی، همگی فاصله عملکرد نظام سیاسی از آرمان‌های معهود و برنامه‌های مدون و چشم‌انداز ترسیم‌شده را نشان می‌دهد که بنا بر چارچوب نظری تحقیق می‌تواند بسترساز کاهش ضریب امنیتی جامعه محسوب شود. هرچند نباید نادیده گرفت که به دلیل اولویت‌داشتن ارزش‌های دینی در مقایسه با ارزش‌های سیاسی یا رفاهی برای شهروندان متدین به منزله حمایت ذخیره‌ای، هر گونه نقصان یا ناکارآمدی کارکردی واجد تبعات فوری امنیتی نمی‌شود، اما هزینه‌کرد نابهنگام و پربسامد از این حمایت ذخیره برای درازمدت، فاقد منطق کارکردی به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

نسبت‌سنجی بعد رویکردی و عملکردی الگوی مردم‌سالاری دینی و امنیت ملی، احتمال این الگو بر امنیت چندبعدی و توجه به همه ابعاد سنتی و مدرن، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن را می‌نمایاند، اما در بعد عملکردی، شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، علائم هشداردهنده‌ای را مخابره می‌کنند. آسیب‌های ملموس و بعضاً فزاینده در حوزه‌های یادشده، فاصله سیاست‌گذاری‌ها و الگوی مدیریت جامعه با استانداردهای لازم برای توسعه و اصول حکمرانی خوب و سازگاری آن با مفاد اسناد راهبردی نظام را نشان می‌دهد. از این رو، به نظر می‌رسد برای ترمیم نقاط ضعف، تدوین پیوست امنیت راهبردی برای کلیه سیاست‌گذاری‌ها و عملکردها ضرورتی گریزناپذیر است.

شاید یکی از دلایل مهم بروز چالش‌ها و آسیب‌پذیری‌ها در حوزه‌های مختلف امنیتی، عدم اهتمام لازم به نگاه استراتژیک و آینده‌گرا در سیاست‌گذاری‌ها و اجرا باشد. از آنجا که بهره‌مندی از رویکرد استراتژیک از لوازم حکمرانی شایسته در عصر مدیریت دانش‌پایه است، عقلایی است سند جامع امنیت پایدار که واجد همه اضلاع امنیت گسترده است، با نگاه

راهبردی و آینده‌گرا طراحی و با نظارت دقیق عملیاتی شود. به علاوه، با توجه به جامعه‌محور شدن امنیت از یک سو و میزان قابل ملاحظه آسیب‌های اجتماعی از سوی دیگر، زمینه‌سازی برای افزایش نقش‌آفرینی نهادهای اجتماعی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقاء ضریب بعد اجتماعی امنیت ملی واجد کارکردهای مثبت ارزیابی می‌شود.

به علاوه، در عصر تنیدگی‌های حاد و پیچیده متقابل بین جوامع و دولت‌ها و تأثیرپذیری بسیاری از شاخص‌های کلان اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی از روندها و برنامه‌های برون‌سیستمی، زیست سیاسی اجتماعی در محیط پرآشوب و به شدت رقابتی و بحران‌زای جهانی و منطقه‌ای، مستلزم تنظیم روابط قاعده‌مند، معقول، منفعت‌افزا و هزینه‌زدا با محیط بیرونی است تا در پرتو تعامل قاعده‌مند، حکیمانه، عزت‌مدار و مصلحت‌گرا، از بروز رخدادهای کاهنده ضریب امنیت ملی پرهیز شود تا نیل به اهداف ترسیم‌شده در افق میان‌مدت میسر گردد. از نظر مدیریت امنیت ملی، برای دستیابی به موارد اشاره‌شده، روزآمد و کارآمدن نهادهای امنیت‌سنجی و پایش‌کننده مستمر رویکردها و عملکردهای نهادها و کارگزاران دخیل و نیز ساماندهی، هماهنگی و تقسیم کار بین مراکز امنیت‌پژوهی و دستگاه‌های تقنین و اجرا و نهادهای نظم و رفع اختلاف، به گونه‌ای که با رویکرد امنیت ملی چندبعدی نظام سازگار باشد، لازم به نظر می‌رسد.

منابع

- آزر، ادوارد ای و مون، چونگ این (۱۳۷۹) امنیت ملی در جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- آلموند، گابریل ا، پاول، جی بینگهام و مونت، رابرت جی (۱۳۸۱) چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- افتخاری، اصغر، مهدی، نادری باب اناری، میسمی، حسین (۱۳۹۰) «بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴؛ رویکردی چندجانبه»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۰، صص ۵۳-۸۰.
- باقری زوز، بهارک و علمی، محمود (۱۳۸۸) «سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نشانه‌های آسیب‌شناختی روابط اجتماعی در ایران»، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، سال ۲، شماره ۵، صص ۱۲۵-۱۳۸.
- بوزان، باری (۱۳۷۸) مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، ویور، الی و دوویدل، پاپ (۱۳۸۶) چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه طیب، علیرضا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۰) «فرآیند مشروعیت‌یابی در نظام جمهوری اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۷۱۹-۷۴۵.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۷) «امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره سوم، مسلسل ۴۱، صص ۵۴۵-۵۷۱.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸) «بازتولید گفتمانی؛ راهبرد استقرار امنیت نرم در جامعه ایرانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۲، شماره ۳، مسلسل ۴۵، صص ۱۳۵-۱۶۳، ماره ۶۳، صص ۴۹-۸۲.
- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳) مطالعات امنیتی نوین، ترجمه طیب، علیرضا و بزرگی، وحید، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- جاجرمی، کاظم و دیگران (۱۳۹۲) «ارزیابی تهدیدات زیست‌محیطی در ایران»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۷، صص ۱۹۳-۲۲۰.
- حائری، محمدحسن (۱۳۸۳) «مردم‌سالاری دینی و مسئله مشروعیت»، مطالعات اسلامی، شماره ۶۳، صص ۴۹-۸۲.
- دارابی، علی (۱۳۹۱) «مردم‌سالاری دینی و نسبت آن با توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۶۱-۸۹.
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۱) «ابعاد امنیت در اندیشه و آرای امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۳، مسلسل ۴۹، صص ۵۵-۸۲.
- شبنانی، ملیحه و همکاران (۱۳۸۸) «سرمایه اجتماعی جوانان در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۵۷-۸۴.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸) امنیت بین‌الملل، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبداللهی، محمد و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶) «سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۵، صص ۱۹۵-۲۳۳.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۹) «تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحران‌های بوم‌شناسی در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۲، شماره مسلسل ۴۸، صص ۳۳-۵۸.
- کریمی، علی و مؤذن، محمدهادی (۱۳۹۰) «تنوع فرهنگی و تداوم همزیستی آنها در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۲۵-۵۲.
- کریمی مله، علی و بابایی، اکبر (۱۳۹۰)، امنیت ملی از منظر امام خمینی (ره)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی، علی و قاسمی طوسی، سمیه (۱۳۹۳) «سیاست‌گذاری اجتماعی و هویت‌سازی ملی؛ فراگیری سیاست‌های کلان اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۵، شماره ۲، مسلسل ۵۸، صص ۲۵-۴۸.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷) چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موتیمر، دیوید (۱۳۸۰) «فراسوی استراتژی؛ اندیشه انتقادی در مطالعات امنیتی نوین»، ترجمه عسگری، محمود، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۴، شماره ۳، مسلسل ۱۳، صص ۳۶۷-۳۸۳.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۶) «نظریه انتقادی نو، نظم دموکراتیک مشورتی و الگوی مردم‌سالاری دینی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره اول، صص ۱۹۳-۲۲۶.

- نصری، قدیر (۱۳۸۴) «جامعه‌شناسی امنیت ملی؛ مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۸، شماره ۳، مسلسل ۲۸، صص ۳۱۱-۳۳۵.
- نگین تاجی، زریر و دیگران (۱۳۹۰) «شاخص‌های اقتصادی و امنیت ملی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۹، صص ۱۹۳-۲۰۲.
- نویدینیا، منیژه (۱۳۸۵) «تأملی نظری در امنیت اجتماعی؛ با تأکید بر گونه‌های امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۹، شماره ۱، مسلسل ۳۱، صص ۳۰-۷۲.
- هورو، جوکو (۱۳۸۳) «به سوی امنیت کثرت‌گرا و گسترده»، ترجمه: موسوی زنور، موسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۲۳.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۰) دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Bilgin, P. (2003); Individual & Societal Dimensions of Security , **International Studies**

Review, Vol 5.

Roe, Paul (2005); **Ethnic Violence & the Societal Security Dilemma**, London: Routledge.

Williams, M.C. (1998); Identity and the Politics of Security , **European Journal of International Relations**, Vol. 4, No. 2, pp. 204-225.

(www.cbi.com)

(www.fararu.com)

(WWW.HUMAN DEVELOPMENT INDICATORS INDEX 2014)

(World Bank Indictors 2014)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی